

نگاه هفته

پیوستن نیجریه به توافق کاهش تولید



سعيدة شفيعی پژوهشگر اقتصادی

● قیمت نفت در هفته گذشته از روزهای میانی هفته با اعلام تعهد عربستان به کاهش بیشتر صادرات، پیوستن احتمالی نیجریه به توافق و کاهش ذخایر نفت آمریکا افزایش یافت

به‌طوری‌که در روز چهارشنبه، شاخص نفت برنت از ۵۱ دلار عبور کرد که این سطح از قیمت در سال جاری میلادی بی‌سابقه است.

۳ شاخص اصلی قیمت نفت

قیمت نفت «برنت دریای شمال» (Brent) در اواسط روز جمعه بیست‌وهشتم جولای به ۵۱دلارو ۴۹ سنت رسید که نسبت به پایان هفته گذشته، یک‌دلارو ۹۶ سنت رشد نشان می‌دهد. شاخص نفت «وست‌گزاس اینترمدیت» (WTI) نیز در همین زمان ۴۸دلارو ۹۸ سنت معامله شد که نسبت به مدت مشابه هفته قبل، یک‌دلارو ۸۷ سنت افزایش یافته است. همچنین بنا بر گزارش دریاخانه اوپک، قیمت سبد نفتی این سازمان (OPEC Reference Basket Price) شامل میانگین ۱۴ قیمت نفت - در روز پنجشنبه بیست‌وهفتم جولای به ۴۸دلارو ۸۸ سنت رسید که نسبت به روز مشابه هفته قبل، یک‌دلارو ۴۰ سنت افزایش یافته است.

پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول از قیمت نفت

صندوق بین‌المللی پول (IMF) در آخرین گزارش خود اعلام کرد میانگین قیمت نفت در سال جاری میلادی ۵۱دلارو ۹۰ سنت و در سال آینده ۵۲ دلار خواهد بود. به گزارش فارس، صندوق بین‌المللی پول در گزارش چشم‌انداز جهانی اقتصادی خود، پیش‌بینی خود از قیمت نفت را نسبت به پیش‌بینی ماه آوریل سه دلار کاهش داد.

براساس این گزارش، دلیل این تجدیدنظر در قیمت به افزایش سطح ذخایر و تولید در آمریکا بستگی دارد. در گزارش ماه آوریل، صندوق بین‌المللی پول اعلام کرده بود میانگین قیمت نفت در سال ۲۰۱۷ رقم ۵۵دلارو ۲۳ سنت و در سال ۲۰۱۸ قیمت ۵۵دلارو شش سنت را تجربه خواهد کرد.

احتمال تمدید توافق کاهش تولید

وزیر نفت عربستان از احتمال تمدید توافق کاهش تولید در صورت نیاز خبر داد. به گزارش خبرگزاری رویترز به نقل از شانائو، وی اعلام کرد در صورت عدم رضایت تولیدکنندگان از افزایش قیمت‌ها، توافق کاهش تولید برای ماه‌های پس از مارس ۲۰۱۸ تمدید خواهد شد. براساس این گزارش، عربستان با کاهش تولید یک‌میلیون‌بشکه‌ای در روز صادرات خود را به سطح شش‌میلیون و ۶۰۰ هزار بشکه رسانده است و در صورت لزوم این سطح را کاهش خواهد داد.

همچنین در نشست کمیته نظارت مشترک بر توافق اعلام شد کشورهای تولیدکننده نفت به ۹۸ درصد تعهدات خود در این زمینه عمل کرده‌اند و حجم نفت ذخایر بازار در ماه‌های ژانویه تا ژوئن ۳۵۰ میلیون بشکه کاهش یافته است.

براساس تصمیم این کمیته، اگرچه نیجریه از کاهش تولید تاکنون معاف بوده است اما با افزایش سطح تولید به توافق خواهد پیوست. هم‌اکنون تولید این کشور یک‌میلیون و ۷۵۰ هزار بشکه است و بنابراین تصمیم، سطح تولید این کشور تا ماه مارس سال آتی میلادی از یک‌میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه فراتر نخواهد رفت. علاوه بر این به گفته وزیر انرژی روسیه، تولید نفت این کشور در ماه جاری میلادی ۳۰۳ تا ۳۰۵ هزار بشکه در روز کاهش یافته است. این تصمیم‌ها در مجموع در کنار کاهش تولید نفت آمریکا سبب افزایش قیمت تا سطح ۵۱ دلار شده است.

اندونزی واحتمال پیوستن مجدد به اوپک

وزیر انرژی و منابع معدنی اندونزی از ابراز تمایل مجدد این کشور در جهت پیوستن به اوپک در صورت عدم اجبار به کاهش تولید، خبر داد. به گزارش انرژی امروز، اندونزی در سالیان گذشته بارها به اوپک پیوسته و از آن خارج شده است. این کشور حدود ۸۰۰ هزار بشکه در روز نفت تولید کرده و دو برابر این مقدار مصرف داخلی دارد و در صورت عضویت مجدد، پانزدهمین عضو اوپک خواهد بود.

کاز طبیعی

به گزارش اداره اطلاعات انرژی دولت آمریکا (EIA)، قیمت شاخص اسپات هنری‌هاب (Spot Henry Hub) به‌عنوان شاخص برای قیمت فروش لحظه‌ای گاز طبیعی در آمریکا، در هفته منتهی به بیست‌وهشتم جولای به دودلارو ۹۹ سنت رسید که نسبت به هفته گذشته، پنج سنت رشد نشان می‌دهد.

حمیدرضا قاسمی، پژوهشگر اقتصادی؛ هنگامی که پژوهشگری بدون توجه به ابعاد نهادی، ساختاری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، حل مشکلات بزرگ در اقتصاد را صرفاً در تغییر بدون مقدمه متغیرهای قیمتی می‌داند، اگر خواسته باشیم با عینک خوش‌بینی به راهکارهای ارائه‌شده نگاه کنیم، در بهترین حالت باید بگوییم که ایشان با طرح چنین مباحثی خود را از دقت و زرف‌کاوی درباره عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، نهادی و ساختاری راحت کرده و بدون توجه به بایسته‌های اساسی علم اقتصاد با فرض ثبات سایر شرایط که از فروض غیرمتعارف اقتصاد نئوکلاسیک است و در دنیای واقعی به‌هیچ‌وجه به‌ویژه در رابطه با متغیرهای کلیدی صحیح نیست، راهکاری ارائه کرده که نه تنها مشکلات را رفع نمی‌کند بلکه بر آن می‌افزاید.^۱

نگرانسی زمانی بیشتر خواهد شد که متولیان اقتصادی کشور جسم بیمار اقتصاد را به دست پزشکیان سپرده‌اند که علاوه بر کارنامه ناموفقشان در ادوار گذشته (عامل اصلی فشار بر دولت در انتخابات دوازدهمین دوره ریاست‌جمهوری) عمداً یا سهواً علت بیماری را اشتباه تشخیص می‌دهند و به‌جای ارائه راهکارهای اساسی با تجویز راهکارهای عجیب روزبه‌روز بیمار را به سمت بدترشدن هدایت می‌کنند. یکی از مواردی که مکرراً رسانه‌ها و افراد منتسب به یک جریان فکری خاص بر آن پافشاری دارند، افزایش نرخ ارز است. تا جایی که هر روز و به بهانه‌های مختلف کژکارکردی‌های اقتصاد ایران را به عدم افزایش نرخ ارز و سایر قیمت‌های کلیدی ربط می‌دهند. در تازه‌ترین اظهارنظر ایشان با کشف یا ابداع یک رابطه جدید مدعی شده‌اند که علت بالا بودن نرخ سود بانکی به خاطر پایین‌بودن نرخ ارز است! (سرمقاله ۱۰ خرداد و ۱۷ خرداد ۱۳۹۶، روزنامه دنیای اقتصاد)

در همین راستا لازم است ابتدا عوامل افزایش نرخ سود بانکی در اقتصاد ایران بررسی شود، سپس با مطالعه دقیق، راهکارهایی ارائه شود که اوضاع را به سمت بهبود هدایت کند. در اقتصاد ایران فعالیت‌های مولد در کنار حجم گسترده‌ای از فعالیت‌های نامولد وجود دارند. این در حالی است که بازدهی بخش‌های نامولد که برای اقتصاد عامل محدودکننده و مزاحم به حساب می‌آیند، بسیار بیشتر از بازدهی بخش‌های مولد است. بنابراین از اوایل دهه ۱۳۸۰ با ورود بدون مقدمه بانک‌های خصوصی به صحنه اقتصاد، تلاش برای جذب سپرده‌های مردم با وعده نرخ سود بالاتر شروع شد. به تبع آن برای عمل به وعده‌ها راهکاری جز استفاده و جوه در بخش‌های نامولد وجود نداشت. در نتیجه به‌جای قدم‌نهادن در مسیر رشد پایدار و توسعه کشور، از طریق تشویق پس‌انداز و سرمایه‌گذاری مولد، میراث رکود ماندگار، تضعیف پس‌انداز و سرمایه‌گذاری باقی ماند.

وضعیت زمانی بدتر شد که بانک‌ها علاوه بر پمپاژ وجوه به سمت بخش نامولد خود نیز رسماً در فعالیت‌های سوداگرانه وارد شدند. تجربه پیش‌رو در سال‌های ۸۹ تا ۹۱ درباره فعالیت بانک‌ها در دوران شوک‌درمانی‌های ناشی از افزایش قیمت حامل‌های انرژی و تحریم‌های شدید بین‌المللی و جهش نرخ ارز بسیار گران‌بهاست. در این سال‌ها بانک‌ها در خرید و فروش ارز، سکه و مسکن بسیار فعال بودند. در سال ۹۲ که اقتصاد کشور با رشد منفی شش درصد روبه‌رو بود، بانک‌های خصوصی به سود بسیار بالایی دست یافتند. ذکر این نکته لازم است که تسهیلات اعطایی بانک‌های غیردولتی و مؤسسات اعتباری در فاصله سال‌های ۸۱ تا ۹۳ بیش از ۹۰۰ برابر شده است. درحالی‌که تسهیلات اعطایی بانک‌های تجاری و تخصصی به‌ترتیب ۴ و ۱۷ برابر شده است و این خود گواه محکمی بر تمرکز بانک‌های غیردولتی و مؤسسات اعتباری بر فعالیت‌های نامولد زودبازده و پربازده است. بدون درنظرگرفتن بخش نامولد بزرگ در کشور و علل وقوع یک پدیده نمی‌توان با بازی با نرخ‌های کلیدی اقتصاد کشور را سروسامان داد. نباید این واقعیت را نادیده گرفت که بخش پولی و بانکی کشور در راستای کسب منافع کوتاه‌مدت راه خود را از مقتضیات رشد و توسعه کشور و اعتلای بخش تولید حقیقی جدا کرده و جامعه را به سمت فعالیت‌های سوداگرانه و نامولد سوق داده است. این بلایی که اکنون به جان اقتصاد افتاده، در ابتدای امر حاصل خصوصی‌سازی‌های بی‌برنامه و سطحی‌نگری نسخه‌پیچان سیاست‌های آزمون‌شده و شکست‌خورده تعدیل ساختاری است. درحالی‌که اصلاحات اقتصادی و تعدیل ساختاری به منظور تعامل فعال‌تر میان بخش‌ها و تقویت رابطه مکمل در اقتصاد باید به اجرا درآید. به طور مثال در حوزه پولی و بانکی، این نظام باید خود را در خدمت مقتضیات بخش حقیقی و الزامات رشد و توسعه اقتصاد قرار دهد و با آن همراه و هماهنگ باشد که در تجربه ایران به نوعی نظام پولی و بانکی در تضاد با بخش حقیقی عمل کرده است. در اقتصادهایی که نظام پولی و مالی دنباله‌رو بخش حقیقی و فعالیت‌های مولد است، بازدهی بنگاه‌ها اگر از بازدهی بانک به‌یشترباشد، کمتر نیست اما در ایران بازدهی بخش بانکی در یک دهه گذشته چندین برابر بخش حقیقی و تولید است. پس از رواج بانکداری خصوصی در ایران شاخص واسطه‌گری‌های مالی در مقایسه با سایر بخش‌ها به‌شدت افزایش یافته و از سال ۱۳۸۸ به بعد بانک مرکزی آمار این شاخص را منتشر نکرده است!

اقتصاد

اقتصادسیاسی پیشنهاد چندباره افزایش نرخ ارز

توصیه‌های مشکوک به دولت

افزایش نرخ ارز علاوه بر اینکه ایجادکننده تورم است، محرک اساسی انتظارات تورمی نیز هست



علاوه بر جولان بخش نامولد در اقتصاد کشور، تراکم مطالبات غیرجاری و ذخیره‌گیری ناکافی بانک‌ها بابت مطالبات مشکوک‌الوصول در کنار وضعیت نامناسب سرمایه بانک‌ها، آنها را با مشکل کمبود نقدینگی و اعسار (ورشکستگی غیررسمی) مواجه کرده است.

به همین جهت مدیران بانکی سعی دارند با جذب سرمایه‌های بیشتر و پرداخت سود بالا به سپرده‌ها، اندکی از فشار موجود کاسته و مشکلات را به تعویق بیندازند که بی‌تردید، با طی روند کنونی در بلندمدت به ورشکستگی بانک‌ها خواهد انجامید. به همین دلیل مشاهده می‌شود که باوجود کاهش انتظارات تورمی، نرخ سود اسمی و حقیقی کاهش نمی‌یابد که در ادبیات اقتصادی از آن به‌عنوان معمای نرخ سود بانکی نام برده می‌شود.^۲

به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین علل در افزایش نرخ سود سپرده‌های بانکی، افزایش مستمر تقاضا برای جذب سپرده، به‌ویژه از سوی نهادهای مالی دچار کمبود نقدینگی و اعسار بوده است. با توجه به اینکه رشد نقدینگی بیشتر از رشد شاخص تورم بوده و با توجه به رکود موجود در اقتصاد کشور انگیزه افراد برای نگهداری دارایی‌های خود در قالب پس‌انداز بانکی افزایش یافته است.

علت دیگر افزایش نرخ سود بانکی را باید در سیاست‌های پولی، اعتباری و نظارتی نظام بانکی که ازسوی بانک مرکزی در سال ۱۳۹۰ تصویب و ابلاغ شد جست‌وجو کرد. بر اساس این مصوبه، بانک‌ها مجوز تعیین نرخ سود علی‌الحساب خود را دریافت کرده بودند. در ماده ۲ این سیاست‌ها آمده است: «تعیین نرخ سود علی‌الحساب سالانه سپرده مدت‌دار بانکی و اوراق گواهی سپرده عام و خاصی در طول دوره سپرده‌گذاری در اختیار بانک‌ها خواهد بود». بر همین اساس هم نرخ سود بانکی در سه‌ماهه پایانی سال ۱۳۹۰ نسبت به دوره‌های پیش از آن به نحو محسوسی (بین چهار تا پنج درصد) افزایش یافت.

حال این سؤال مطرح است که با توجه به شرایط رکودی و افزایش تقاضای بانک‌ها برای جذب سپرده‌ها، بانک‌ها از چه طریقی فعالیت می‌کنند تا بتوانند پاسخ‌گوی تعهدات خود و مضافاً سودآوری خود باشند؟ پاسخ را باید در حاشیه سود بالای فعالیت‌های نامولد یافت.

نکته مهم این است که با وجود تورم و بهره‌وری پایین بخش‌های مولد، نرخ سود بالا گواه جولان بخش‌های نامولد در اقتصاد ایران است که در مقیاس بسیار وسیع‌تر در حال تصاحب سهم‌های بالاتری از GNP هستند. حال با وجود این‌همه مشکلات نهادی و ساختاری و مدیریتی که از علل بالا بودن نرخ سود بانکی به حساب می‌آیند، عده‌ای هم به دنبال ماهی‌گرفتن از این آب گل‌آلود هستند. ارتباط علت بالا بودن نرخ سود بانکی به انتظارات تورمی بالا و ارائه راهکار افزایش نرخ ارز برای تخلیه انتظارات تورمی، بهانه جدیدی برای توجیه بالا بودن نرخ ارز است. محاسبات نشان می‌دهد هیچ‌کدام عللی از سمت نرخ سود بانکی به‌سوی نرخ ارز در اقتصاد ایران وجود ندارد. درحالی‌که با افزایش نرخ ارز و شعله‌ورشدن تورم و انتظارات تورمی نرخ سود بانکی افزایش خواهد یافت و با مهیاشدن عرصه برای جولان بیشتر فعالیت‌های نامولد، بخش‌های تولیدی و مولد کشور به سمت نابودی پیش خواهند رفت.

از طرف دیگر یکی از بهترین راه‌های سنجش نوع نگاه فعالان اقتصادی به تورم آینده، بررسی قیمت اوراق خزانه در ادوار مختلف است. به بیان دیگر اگر با افزایش زمان سررسید اوراق خزانه، نرخ بازده آن کاهش باشد، یک علامت‌دهی جدی مبنی بر انتظار بازار از کاهش تورم در آینده خواهیم داشت. در بخش مهمی از سال ۹۴ و ۹۵ نرخ سود اوراق با سررسید بالاتر کمتر شده است. جالب آنجاست که کسانی که امروز انتظارات تورمی را علت بالا بودن نرخ سود می‌دانند، در آن زمان از این اتفاق به‌عنوان نوید نگاه مثبت بازار به کاهش تورم آتی و کاهش نرخ سود در دوره مالی بعدی نام می‌بردند و در این زمینه قلم می‌زدند! حتی معاونت امور اقتصادی وزارت اقتصاد در گزارش خود در بهمن ۱۳۹۵ به‌صراحت ذکر کرده است: «نرخ سود مؤثر اوراق بدهی یک‌ساله در محدوده ۲۷ تا ۲۹ درصد و نرخ اوراق بلندمدت به دلیل پیش‌بینی کاهش قابل‌ملاحظه تورم در محدوده ۲۰ تا ۲۳ درصد قرار دارد». (برگرفته از کانال اقتصاد سیاسی).

نظارتی، صرفاً نرخ ارز را افزایش دهیم، خود را در مارپیچ تورم همراه با رکود عمیق‌تر و نرخ ارز اسیر کرده و همه مشکلات پیش‌گفته را تشدید می‌کنیم. نتیجه این کار افزایش حاشیه سود سوداگران و غیرمولد‌ها، کاهش قدرت خرید مردم و جابه‌جایی ناکارا مخرب درآمد و ثروت در کشور خواهد بود.

طرح بحث‌هایی نظیر فشرده‌شدن فنر نرخ ارز و ایجاد هراس از اینکه هر لحظه ممکن است این فنر‌ها شود و کل اقتصاد را در معرض بی‌ثباتی گسترده قرار دهد، چیزی بیش از وارونه جلوه‌دادن حقیقت نیست که عده‌ای با بیان آن آگاهانه یا ناآگاهانه در جهت منافع گروه‌های خاص قلم می‌زنند.

درصورتی‌که چنانچه این استدلال درست بود، باید پس از ایجاد شوک آینده‌هراسی در سال ۹۱ و پرش بی‌سابقه ارز، پس از رفع خطر تنش با دنیای خارج تخلیه شوک آغاز می‌شد و نرخ ارز کاهش می‌یافت اما در عمل چنین اتفاقی نیفتاد. پس تثبیت نرخ ارز برای جلوگیری از تخلیه حباب آینده‌هراسی در جهت منافع غیرمولد‌ها بوده است و تحلیل بی‌پایه و اساس مبتنی بر «فنر» و «فشار» را ابزاری برای رسیدن به آن هدف قرار داده‌اند.

همان‌طور که مکرراً در یادداشت‌های قبلی گفته شد^۳ در کشورهای دارای بازار عمیق ارز افزایش نرخ ارز باعث می‌شود نسبت قیمت کالا‌های صادراتی به قیمت کالا‌های وارداتی بر حسب پول ملی کاهش یابد و این امر با صادرات رفاه مترادف است اما گفته می‌شود چون تضعیف پول ملی و افزایش نرخ ارز موجب افزایش صادرات می‌شود و رقابت‌پذیری و بهره‌وری در صادرات یک شرط اساسی است بنابراین به دنبال این اقدام بهره‌وری افزایش می‌یابد و مقدار آن بیش از یک خواهد شد. بنابراین افزایش این عامل چه‌بسا کاهش را جبران کند. پس گویی افزایش نرخ ارز در کشورهای پیشرفته نه‌تنها اثر تورمی نداشته بلکه ممکن است آثار کاهش قیمت در بلندمدت داشته باشد. اما در اقتصاد ایران وضعیت کاملاً متفاوت است و با افزایش نرخ ارز انتظارات تورمی در اقتصاد ایران شعله‌ور خواهد شد که این خود باعث افزایش تورم می‌شود. از طرف دیگر وجود نیروهای قیمت‌گذار دلخواه در اقتصاد ایران که باعث افزایش قیمت‌های غیرمرتبط با نرخ ارز می‌شود هم از علل بروز تورم و شعله‌ورکردن انتظارات تورمی از جانب نرخ ارز است.

اقتصاد سبز

نقش دولت در حکمرانی خوب تأمین زیرساخت‌های کشاورزی



فاطمه پاسبان کارشناس کشاورزی

● در ادبیات توسعه، حکمرانی خوب موضوعی مهم و اساسی تلقی می‌شود. حکمرانی مجموعه‌ای از اقدامات فردی و نهادی، عمومی و خصوصی برای برنامه‌ریزی و اداره مشترک امور است و فرایند مستمری از ایجاد تفاهم میان منافع متفاوت و متضاد است که در قالب اقدامات مشارکتی و سازگار حرکت می‌کند و شامل نهادهای رسمی و ترتیبات غیررسمی و سرمایه اجتماعی شهروندان است. هنگامی که واژه حکمرانی به کار برده می‌شود باید به دو نکته توجه شود: نخست اینکه، حکمرانی، حکومت نیست. حکمرانی به‌عنوان یک مفهوم، مشخص می‌کند که قدرت در داخل و خارج از اقتدار رسمی و نهادهای دولت وجود دارد. غالباً، حکمرانی سه گروه اصلی را بازیگران را شامل می‌شود: حکومت، بخش خصوصی و جامعه مدنی، دوم اینکه، حکمرانی بر «فرایند» تأکید دارد و مشخص می‌کند که تصمیمات با توجه به روابط پیچیده بین تعدادی از بازیگران با اولویت‌ها و سلاطین متفاوت گرفته می‌شوند. حکمرانی، توافقی را بین اولویت‌ها و سلاطین رقیب و متضاد برقرار می‌کند و این، اساس و شالوده مفهوم حکمرانی است. برای اداره امور عمومی دو پارادایم وجود دارد: در پارادایم نخست که حکومت نام دارد، مسئولیت تمام امور را برعهده دارد. حکومت موظف است که تمام خدمات را برای جامعه مدنی یا شهروندان فراهم کند. در پارادایم دوم که حکمرانی نام دارد، مسئولیت اداره عمومی میان سه نهاد حکومت، جامعه مدنی و بخش خصوصی تقسیم شده است، ضمن آنکه هر سه بخش مذکور در تعامل با یکدیگر قرار دارند، به‌گونه‌ای که ضعف و قدرت بیش از حد یکی از آنها تعادل اجتماعی را برهم خواهد زد. لذا ایجاد ارتباط و تعادل لازم و تفکیک وظایف هر یک از این سه بخش امکان به‌ترزیستن را در یک جامعه مطلوب فراهم خواهد کرد. موضوع تأمین زیرساخت‌ها و فناوری اطلاعات و ارتباطات و مدیریت آن یکی از موضوعاتی است که تعامل و همکاری هر سه نهاد حکومت، جامعه مدنی و بخش خصوصی را در قالب مفهوم حکمرانی ایجاب می‌کند.

ادامه در صفحه ۱۵

فرصتی استثنایی

اقامتی به یاد ماندنی در

بابلسر ، متل عسل

ویلائی مجهز همراه با صبحانه ، ناهار ، شام

استفاده رایگان استخر ، سونا و جکوزی

استفاده رایگان تور دریایی ، بلیت‌ساز

مدت و ظرفیت محدود

۲ شب و ۳ روز

به ازای هر نفر فقط ۱۴۹/۰۰۰ تومان

داخلی ۲۲۱ ۰۰۰-۳۵۲۷۷۳ (۰۱۱)

همراه: ۰۹۰۲۵۴۳۶۴۶۶